

میدون و سوفیا

راه تحقیق وتفحص بازه وظیفه نمایندگی چی میشه؟

● **بوریا عالمی:** بابای سوفیا می‌گوید: نماینده مردم اصفهان در مجلس، حسن کامران، درباره انجام‌نشدن تحقیق‌وتفحص از مجلس گفت: «متأسفانه کمیسیون برنامه‌وبودجه و هیئت‌رئیسه مجلس این جسارت را ندارند که درهای تحقیق‌وتفحص را باز کنند»، این یعنی چی؟

می‌گویم: وقتی مجلس تحقیق‌وتفحص از خودش هم نمی‌تواند بکند، چرا باید توقع داشته باشیم بتواند از صداوسیما و کجا و کجا تحقیق‌وتفحص کند؟ مثل آن بابایی که بهش گفتند چرا این وزنه صدکیلوبی را از زمین بلند نمی‌کنی؟ گفت داداش من اگر خودم را می‌توانستم از زمین بلند کنم، وزنه صدکیلوبی شما را هم بلند می‌کردم. اگر دقت کنی می‌بینی من توی کار خودم هم ماندم!

بابای سوفیا می‌گوید: خاک توی سرت میدون دوم، تو همیشه اهل سیاه‌نمایی و فاز افسردگی هستی... سوفیا به من نگاه می‌کند و می‌گوید: هیچی نگو میدون دوم، من خودم با هشتک #بابای_سوفیا_خروس-است علیه بابام توییت می‌کنم و انتقام تو را از بابام می‌گیرم.

بابای سوفیا می‌گوید: این نماینده مجلس اصفهان گفته: «چرا نمایندگان با شفاف‌سازی مخالف هستند؟ حتی رای به اعلام نتایج آرایشان نمی‌دهند؟ هرکسی طرفدار شفاف‌سازی نیست حتماً ریگی به کفش دارد، اگر این کار صورت گیرد حقه‌بازی کمتر می‌شود». بعد می‌پرسد: چرا؟

می‌گویم: من که مطمئنم اگر از برخی نماینده‌ها بپرسی الان به چی رای دادی؟ نمی‌دانند. از برخی‌شان هم اگر بپرسی رای مثبت دادی یا منفی؟ نمی‌دانند. از برخی دیگرشان هم اگر بپرسی چرا رای دادی؟ نمی‌دانند.

بابای سوفیا قندان را پرت می‌کند سمت من و می‌گوید: تو هیچ‌وقت نماینده‌های مجلس را جدی نگرفتی میدون دوم! خاک تو سرت.

سوفیا می‌گوید: میدون دوم راست می‌گوید. نماینده‌ها معلوم نیست چی را نمایندگی می‌کنند!

بابای سوفیا می‌گوید: شما جفتان نادان و گمراه و سیاه‌نما هستید... نماینده‌های مجلس خیلی هم دانا و همه‌چیزتمام هستند. راه تحقیق‌وتفحص باز است، وظیفه نمایندگی چی میشه که می‌خواهند تحقیق‌وتفحص کنند؟ اصلاً مگر اینها نماینده شده‌اند که تحقیق‌وتفحص کنند؟ اینها باید چهارسال روزی چندبار دو دو دو یا چهار چهار چهار کنند و کلابی بخورند و خلاص.

شرق روزنامه

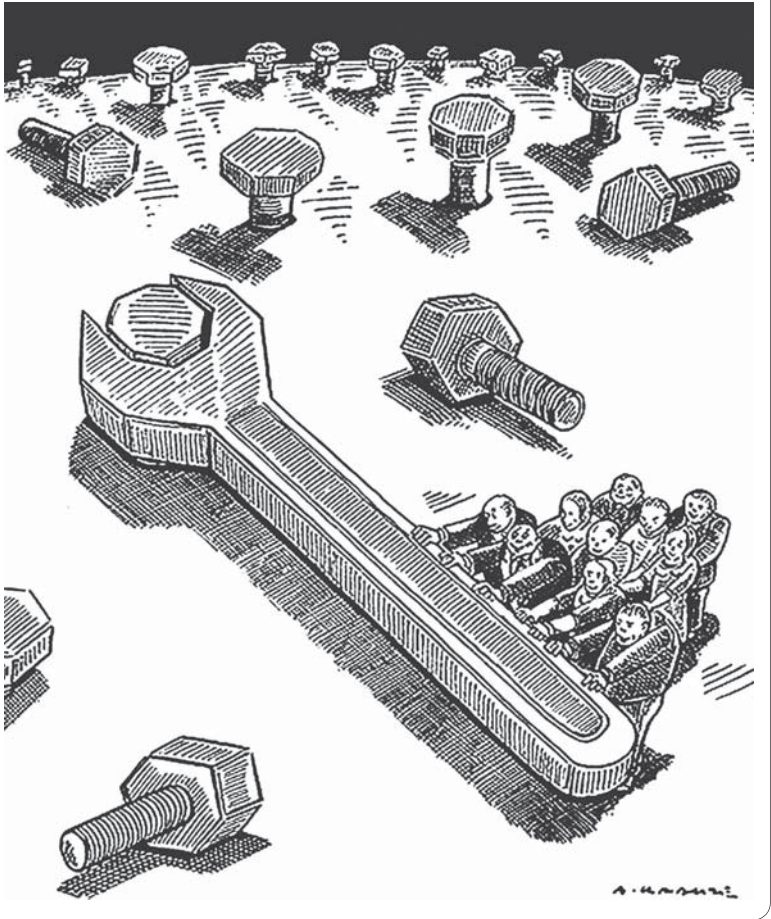
www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۷ = ۱ محرم ۱۴۴۰ = ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم • شماره ۳۲۴۱ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۶ • اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنارضا

کار تون خواب

آندرزج کراوز



معهد

فروشگاه های

زنجیره ای

فروش فوق العاده ویژه بازگشایی مدارس

تا ۲۰ مهرماه

پویش مردمی کمک به تحصیل کودکان نیازمند

#یکی_برای_دوستم

امیرحسن چهل‌تن

خواهرزاده ۱۵ساله من که در تعطیلات تابستانی به همراه پدر و مادرش برای دیدار خانواده از اسپانیا به تهران آمده بود، روز پیش کارش به اتاق جراحی کشید. یک مهاجم که ظاهرا قصد ربودن گوشی موبایل او را داشته است، چنان محکم با لگد به سرش می‌کوبد که پلین جمجمه ترک برمی‌دارد و گوش چپ در وضعیت وخیمی قرار می‌گیرد. پزشک خانواده اولین کسی است که او را معاینه می‌کند و می‌خواهد او را فوراً به بیمارستان تخصصی گوش برسانند. آن موقع هنوز کسی از وضعیت جمجمه خبر نداشت. در بیمارستان بعد از برخی معاینه‌ها، آزمایش‌ها و عکس برداری‌ها، زردنت‌ها دور تختش حلقه می‌زنند و شروع به بررسی و مذاکره می‌کنند؛ یکی می‌گوید عصب شنوایی قطع شده، دیگری می‌گوید پرده گوش پاره شده است، آن یکی نتیجه

زندگی دیگران

ایتالیایی آرام

فاینشال‌تایمز: سال گذشته تقریباً در همین زمان بود که فدریکا موگربنی، دیپلمات بلندپایه اتحادیه اروپا، در محاصره انبوهی از نمایندگان مجلس ایران بود که می‌خواستند با او سلفی بگیرند. او به تهران سفر کرده و قول داده بود تا توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را اجرا کند، عکس‌های خانم موگربنی در روزی شطرنجی، اکنون که ایالات متحده بار دیگر تحریم‌ها را آغاز کرده و درصدد ازبین‌بردن توافق است، دیگر خاطره‌ای دور به نظر می‌رسد. تحریم‌های ایران در واقع عامل بالاکشیدن آخرین شعله‌ها در بدترین بحران روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده در دوران پس از جنگ جهانی دوم است. این تحریم‌ها عامل تازه‌ترین سردرها برای یک زن نیز هست. او زنی است که چهار سال گذشته را صرف مسائل حمله روسیه به اوکراین، مذاکرات برای توافق با ایران، مداخله غرب در سوریه و در نهایت، دونالد ترامپ کرده است. این سوسیال‌دموکرات ایتالیایی ۴۵ساله از نوامبر ۲۰۱۴ در مقام «نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی» بوده و سرکوتار او با دو مرکز قدرت سیاسی رقیب است که هر دو در بروکسل مستقر هستند: یکی شورای اروپا شامل ۲۸ ایالت دولتی و دیگری کمیسیون اروپایی تکنوکرات. خانم موگربنی «کلاه دوتکه»ای بر سر دارد که او را وادار می‌کند یک پا در هر دو درواگاه داشته باشد. خانم موگربنی از دل ابهام نسبی دوران نخست‌وزیری ماتئو رنزی در اوایل سال ۲۰۱۴ بیرون آمد و جوان‌ترین وزیر امور خارجه ایتالیا شد. ۹ماه بعد او نماینده عالی شد. دوره او در سال ۲۰۱۹ منقضی می‌شود. او چهره موقر، اگرچه گاه یخ‌زده خود را در دیپلماسی بین‌المللی جا انداخته است. دوستانش می‌گویند او در زندگی خصوصی، شخصیتی غیررسمی و جذاب است و به «دیپلماسی واتس‌اپ» بیشتر از پروتکل‌های سخت‌گیرانه علاقه دارد. اما منتقدان می‌گویند شناخته‌شده‌نبودن خانم موگربنی مانند کاترین اشتون، سلف بریتانیایی‌اش، همراه با این واقعیت که سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنان تحت‌الشعاع قدرتمندترین اعضای آن است، مانعی برای او بوده است. یکی از وزرای امور خارجه پیشین اتحادیه اروپا می‌گوید: «او هم‌زمان همه جا هست و هیچ جا نیست».موضع‌گیری‌های تند خانم موگربنی سبب شده عده‌ای ادعا کنند او شخصیت عمیقی ندارد. به گفته یک دیپلمات هم‌وطن خانم موگربنی «او بیشتر از آنچه ایتالیایی‌ها معمولاً هستند، ایتالیایی است». خانم موگربنی متولد رم، تنها فرزند یک کارگردان فیلم و یک مادر معمار است. او ابتدا در دانشگاه رم علوم سیاسی خواند و بعد تخصصش را در اسلام سیاسی با بورسیه مطالعات اراسموس در دانشگاهی در جنوب فرانسه گرفت. متاهل است و دو دختر دارد. به زبان انگلیسی و فرانسوی روان صحبت می‌کند. او از بال چپ کمونیستی سابق حزب دموکراتیک ایتالیا برخاست و یکی از چهره‌های نادر علاقه‌مند به امور خارجی در میان همتایانش بود. علایق چپ‌گرایانه او با اروپایی‌گری تئردو ترکیب شده است. اغلب می‌گوید ایتالیا دو پایتخت دارد: بروکسل و رم. همتایانش توافق با ایران را نقطه قوت کار و حرفه خانم موگربنی و یکی از معدود مواردی که بلوک توانسته وزن سیاسی دیپلماتیک خود را اعمال کند، توصیف می‌کنند. وندی شرمن یکی از مذاکره‌کنندگان اصلی ایالات متحده در مرحله نهایی مذاکرات با ایران در سال ۲۰۱۵ می‌گوید: «او در لحظه‌ای مناسب به جای مناسب رسید». اما اکنون ستاره خانم موگربنی رو به افول است. همکاریانش می‌گویند احتمالاً مدتی از کار دولتی کناره می‌گیرد تا استراحت کند. آنها خانم موگربنی را شخصیتی رواقی‌مسلك و آرام می‌دانند که توهین شخصی به او اثر ندارد. ناتالی توجی، مدیر یک اتاق فکر و از همراهان خانم موگربنی در سفر خاورمیانه‌ای می‌گوید: «هرگز ندیده‌ام که از کوره در برود. یک شب خوابید و تلفنش را خاموش کرد و صبح که بیدار شد، تماس‌های ساعت سه صبح ماتئو رنزی را دید. نمی‌توانست باور کند که وقتی خوابیده، رهبران برای (کنارگذاشتن او از) کارش تصمیم بگیرند. اما او همین طوری است. به نفعش هم بود».

تجربه دیگران

راهپیمایی کودکان علیه موبایل‌ها



راهپیمایی کودکان و نوجوانان در اعتراض به اعتیاد پدران و مادرانشان به تلفن هوشمند و اینترنت در هامبورگ اتفاق بود که شاید بتواند بسیاری از ما را در سراسر جهان تحت‌تأثیر قرار دهد.همان‌طور که ما پدر و مادرها از اعتیاد فرزندانمان به گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی شاکی هستیم، کودکان آلمانی کوچک‌تر نیز از این وضعیت به ستوه آمده و اعتراضشان را به صورت علنی در خیابان فریاد زده‌اند. آنها فریاد می‌زنند ما را ببینید، فقط به گوشی‌هایتان توجه نکنید. ما اینجا هستیم. به گزارش دویچه‌وله رهبر این تظاهرات یک کودک هفت‌ساله بود. امیل در سخنرانی‌اش نسبت به این وضعیت اعتراض کرد و گفت: امیدوارم بعد از این راهپیمایی تغییراتی رخ دهد و توجه بیشتری به ما شود. امیدوارم که از گوشی‌های تلفن کمتر استفاده شود.یکی دیگر از سخنرانان گفت: این حرکت ما پیامی دارد، با ما به‌جای موبایل‌هایتان بازی کنید. ما واقعی هستیم.این هشدار می‌تواند یکی از مهم‌ترین تذکرها درباره مسائل روز جهان باشد؛ اعتراض به اعتیادی فراگیر که فقط به یک گروه، شهر یا کشور منحصر نیست.

یادداشت

حکایت تمام‌نشدنی ما و اطبای محترم

پاسخ می‌شنوند دکتر بیمارستان را ترک کرده است و امکان دسترسی به او فراهم نیست.

من سال‌ها پیش برای یک جراحی ساده در آلمان بستری شدم، پیش از عمل پزشک معالج دقیق طولانی راجع به آنچه می‌خواهد بکند با من حرف زد، بعد از عمل و به‌هوش آمدنم هم همین‌طور. پزشکان ما پس چه زمانی می‌خواهند سلوک با بیمار و اطرافیان او را بیاموزند و ششونات آنها را رعایت کنند؟

من دوستان پزشک فراوانی دارم و همه آنها واقعاً آدم‌های نازنینی هستند، اصلاً همه ما ایرانی‌ها آدم‌های نازنینی هستیم؛ اما نمی‌دانم این کدام مؤلفه عجیب است که عمل می‌کند؛ وقتی ما در وضعیت بالادستی قرار می‌گیریم، دیگر هیچ شانی برای آن که در وضعیت فرودست قرار گرفته قائل نیستیم و آنها در نظرمان به پشیزی نمی‌ارزند. آیا این رفتار به جبران تحقیر مدام و بزرگی است که همه و همه با آن مواجهیم؟ نمی‌دانم، واقعاً نمی‌دانم! اما نگرانم، به خاطر این سقوط دردآور نگرانم، همین!

پشت تاریخ

سیاست تجمل به جای نفت

در تقویم سازمان ملل روزی را به نام «روز ملل متحد برای همکاری‌های جنوب-جنوب» نامیده‌اند. پرسش این است که منشأ و مفهوم این نام‌گذاری چیست و می‌تواند برای امروز جهان چه کاربردی داشته باشد؟ پرسش جالبی است و برایم یادآور تجربه کاری دوران جوانی است. من در اواخر سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) برای ماموریت سیاسی در اتحادیه اقتصادی اروپا به بروکسل اعزام شدم. در اروپا وضعیتی فوق‌العاده حاکم بود. عبور و مرور اتومبیل‌ها محدودیت داشت و در روزهای تعطیل ممنوع بود که باعث شده بود شهر حالت سوت‌وکور پیدا کند. مردم به دوچرخه و وسایل نقلیه عمومی روی آورده بودند، دلیشل جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل بود که انور سادات موفق شده بود با عبور از کانال سوئز، نخستین پیروزی اعراب را از تاریخ تشکیل اسرائیل به دست آورد و کانال سوئز و صحرای سینا را آزاد کند، اما بخشی از آن پیروزی با حمله مستقیم اسرائیل به درون خاک مصر و شکست ارتش آن کشور خنثی شد. حمایت‌های غرب از اسرائیل موجب شد اتحادیه عرب تصمیم به تحریم نفتی غرب بگیرد. این تحریم در روزگاری که صنعت و حمل‌ونقل زمینی و هوایی و دریایی غرب کاملاً متکی به نفت خاورمیانه و شمال آفریقا بود، بر اوضاع اقتصادی جهان تأثیر فوق‌العاده‌ای داشت و نوعی نقطه عطف به شمار می‌رود.

تحریم نفتی اعراب موجب قطعی انرژی در اروپا و حتی آمریکا شد و بهای نفت را که پس از تشکیل اوپک از بشکه‌ای یک‌ونیم دلار به بشکه‌ای چهار دلار افزایش یافته بود، به ۱۲، ۰۸، ۲۰ و سرانجام بشکه‌ای ۳۵ دلار افزایش داد. ژئوساردرستن، رئیس‌جمهور فرانسه، رهبری ابتکار خنثی‌کردن اوپک را بر عهده گرفت و در مقابل آن در ایجاد سازمان بین‌المللی انرژی پیش‌قدم شد. این سازمان که اوپک را به طعنه «کارتل» نفتی می‌نامید، سیاست‌هایی را اتخاذ و برای اجرا به اعضا که کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده انرژی بودند، پیشنهاد کرد؛ از قبیل: سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی و بالا بردن راندمان کاری انواع وسایل برقی خانگی و صنعتی، پیش‌بینی ذخایر نفتی در کشورهای عضو که از امکانات ذخیره‌سازی معادل مصرف دو هفته آغاز می‌شد و باید به ذخیره معادل مصرف دو تا سه ماه افزایش می‌یافت تا در صورت قطع ناگهانی واردات نفت دچار شوک اقتصادی، صنعتی و اجتماعی نشوند، تشویق و توسعه استفاده از انرژی‌های جایگزین مانند انرژی خورشیدی، بادی، آبی، گرمای درونی زمین و حتی انرژی هسته‌ای که تاکنون هم ادامه یافته و روزه‌روز اقتصادی‌تر می‌شود.

در کنار این برنامه‌ها و اقدامات که به صورت مستقیم بر کاهش مصرف نفت و فشار برای کاهش بهای آن و تولید انرژی‌های جایگزین مربوط می‌شد، برخی برنامه‌های سیاسی و تبلیغاتی نیز بیشتر به رهبری ژئوساردرستن انجام شد. افزایش ناگهانی بهای نفت به‌تدریج در کشورهای تولیدکننده رفاه و اندوخته‌ای پدید آورد و در اتحادیه اقتصادی اروپا بحثی جدی بر سر «بازیافت دلارهای نفتی» در جریان بود؛ به این معنی که کشورهای صنعتی چگونه می‌توانند پول‌های گزافی را که برای خرید نفت می‌پردازند، دوباره از چنگ کشورهای نفتی درآورند. این برنامه می‌توانست شامل اجرای برنامه‌های تجملی، ساختمانی و عمرانی گسترده، تا ایجاد تهیدهای منطقه‌ای و فروش کراف اسلحه و سرانجام جنگ میان کشورهای دارنده ثروت نفتی و نفله‌کردن آن ثروت به دست خودشان باشد. یکی از این برنامه‌های سیاسی، تقسیم جهان به شمال و جنوب بود.

منظور از شمال، کشورهای صنعتی پیشرفته‌ای بود که شامل برخی کشورهای کاملاً جنوبی مانند استرالیا و نیوزیلند نیز می‌شد و کشورهای جنوب شامل کشورهای فقیر و کشورهای دارای ثروت حاصل از نفت بودند. تا پیش از آن، کشورهای بزرگ اروپایی که تا چند سال پیش قدرت‌هایی استعماری بودند که بخش مهمی از ثروت و رفاه خود را مدیون سودجویی از کشورهای به‌اصطلاح جنوب بودند، به جبران شرمساری از آن پیشینه خود را متعهد به مشارکت در برخی برنامه‌های همکاری و کمک به مستعمرات پیشین می‌دانستند. اکنون که کشورهای صنعتی یا شمال با تنگنای تدارک نفت به بهای گزاف مواجه شده بودند، به کشورهای نفتی فشار می‌آوردند که باید بخشی از بار کمک به مستعمرات پیشین آنها را بر دوش بگیرند. در آن دوره، به کوشش فرانسه و کشورهای اروپایی، چندین کنفرانس با نام شمال-جنوب برگزار شد و سرانجام برای آنکه بار بیشتری را بر عهده کشورهای ثروتمند جنوب بیندازند، آن سیاست را در قالب برنامه‌های ملل متحد قرار دادند و روزی را هم به این مناسبت نام‌گذاری کردند. بر این اساس، ضمن اینکه کشورهای استعمارگر پیشین به‌تدریج بار مسئولیت خود را کاهش دادند، با توفیق در برنامه‌های خنثی‌کننده و بهره‌مندی از جنگ‌های منطقه‌ای و فروش اسلحه و اجرای برنامه‌های بزرگ تجملی و عمرانی، توانستند به همان برنامه بازیافت و تخلیه دلارهای نفتی و حتی کاهش بهای نفت دست یابند؛ زیرا با توجه به اینکه بهای هر بشکه نفت خام در ۴۵ سال پیش معادل پنج دلار امروزی است، نفت بشکه‌ای ۳۰ دلار ۱۹۷۴ اکنون باید ۱۵۰ دلار می‌بود که اکنون کمتر از نصف آن است. به‌این‌ترتیب، همکاری جنوب- جنوب مفهوم و دلایل وجودی خود را از دست داد و از آن فقط نامی در تقویم ملل متحد باقی مانده است.